

اشاره: داستان به این جا رسید که حضرت آدم علیه السلام تصمیم گرفت به امر خداوند، هابیل را به عنوان وصی و جانشین خود انتخاب کند. قابیل از این مسأله به شدت خشمگین شد و نسبت به آن اعتراض کرد. سپس قرار شد هر کدام یک قربانی به درگاه خدا ببرند تا قربانی هرکس پذیرفته شد منصب جانشینی به او واگذار گردد. قربانی هابیل قبول شد اما قربانی قابیل پذیرفته نشد. اینک ادامه داستان...

کمیل: اگر امکان دارد بقیه داستان را از قرآن نقل کنید.

خدا که مالک و مدبر همه عالم است می ترسم (مائده: ۲۸) من از این عمل تو کراهتی ندارم چون اگر مرا بکشی، هم و بال گناهان مرا به دوش می کشی و هم و بال گناهان خودت را و در نتیجه از اهل آتش می شوی و سزای ستمکاران همین آتش است. (مائده: ۲۹) [قابیل] پس از وسوسه های پی در پی و به تدریج، دلش برای کشتن برادرش رام شد و او را کشت و در نتیجه از زیانکاران شد (مائده: ۳۰) او در این که کشته برادر را چه کند، سرگردان شد، خدای تعالی کلاغی را مأمور کرد تا با منقار خود زمین را بکند (و چیزی در آن پنهان کند) و به او نشان دهد که چگونه جثه برادرش را در زمین پنهان کند (قابیل وقتی عمل کلاغ را

آقای دیانت: اتفاقاً قرآن از همین جا داستان فرزندان آدم را بیان نموده است. خداوند در قرآن می فرماید: هر کدام یک قربانی پیشکش کردند که یکی از آن ها مورد قبول واقع شد اما دیگری پذیرفته نشد. آن که قربانی اش قبول نشد به آن که از او قبول شد گفت: من تو را خواهم کشت، او (هابیل) گفت: خدای تعالی قربانی را از متقیان قبول می کند. (مائده: ۲۷) و تو اگر دست خود را به سوی من دراز کنی که مرا بکشی، من هرگز دست خود را به سوییت و برای کشتنت دراز نخواهم کرد، زیرا من از

داستان حضرت آدم علیه السلام

قسمت آخر

محمد علی داعی نژاد





علامه طباطبائی رحمته الله می فرماید این روایت معتدل ترین روایات در این باب است. ^(۳)

کمیل: از آنچه گذشت چه نتایج می توان به دست آورد؟

آقای دیانت: برخی از نتایج داستان این است که:

- ۱- اگر تقوا و خلوص در عملی نباشد، مقبول درگاه خدا نمی افتد، چنان که قربانی قابیل پذیرفته نشد.
- ۲- اگر کسی به درجه ای نائل شد، نباید رشک ورزد، بلکه باید تلاش کند شایستگی های خود را افزایش دهد تا لطف الهی شامل او هم بشود، چرا که از راه معصیت نمی توان با مردان الهی رقابت نمود؛ چنان که قابیل با وجود کشتن هابیل به مقام وصایت و جانشینی آدم علیه السلام نرسید بلکه ملعون و رانده درگاه الهی شد.
- ۳- اگر انسان در حالات عادی به از بین بردن رذایل اخلاقی از جمله حسادت نپردازد، در عرصه های زندگی گناهان بزرگ تری انجام خواهد داد؛ چنان که قابیل به کشتن برادر، خود اقدام کرد.
- ۴- معصیت را نباید با معصیت پاسخ

دید گفت: وای بر من که آنقدر ناتوان بودم که نتوانستم مثل این کلاغ باشم و جثه برادرم را در خاک دفن کنم، آن وقت حالتی چون حالت همه پشیمان ها به او دست داد (مأند: ۳۱) ^(۱)

کمیل: آیا داستان هنوز ادامه دارد؟

آقای دیانت: آری ولی ادامه آن را از روایتی که از امام سجاد علیه السلام نقل شده بیان می کنم. ^(۲)
قابیل گودالی حفر کرد و جسد برادر را در آن دفن نمود و به سوی پدر برگشت، آدم علیه السلام هابیل را با او ندید، از وی پرسید: پسرم را کجا گذاشتی؟ قابیل گفت: مگر او را به من سپرده بودی؟ آدم گفت: با من بیا ببینم کجا قربانی کردید. در این لحظه به دل آدم علیه السلام الهام شد که چه اتفاقی رخ داده، همین که به محل قربانی رسید همه چیز برایش روشن شد. لذا آدم علیه السلام آن سرزمین را که خون هابیل را در خود فرو برده بود، لعنت کرد و دستور داد قابیل را لعنت کنند و از آسمان ندایی به قابیل رسید که تو، به جرم کشتن برادرت ملعون شدی، از آن به بعد دیگر زمین هیچ خونی را فرو نبرد. آدم علیه السلام از آن نقطه برگشت و چهل شبانه روز بر هابیل گریست. چون بی تابی اش طاقت فرسا شد، شکوه به درگاه خدا برد. خدای تعالی به وی وحی کرد که من پسری به تو می دهم تا جای هابیل را بگیرد. چیزی نگذشت که حوا پسری پاک و پربرکت بزاد، روز هفتم میلاد آن پسر، خدای تعالی به آدم علیه السلام وحی کرد که ای آدم! این پسر هبه و بخشی است از من به تو، بنابراین او را هبه الله نام بگذار و آدم علیه السلام نیز چنین کرد. مرحوم

داد؛ هنگامی که هابیل از جانب قابیل تهدید به قتل شد گفت: من چنین کاری انجام نمی‌دهم یعنی از خودم دفاع می‌کنم ولی مبادرت به کشتن تو نمی‌کنم.

می‌توان گفت که آدم علیه السلام اول در آنجا مدفون شده و سپس به نجف منتقل شده است. (۶)

کمیل: حضرت حوا چه وقت فوت کرد و کجا دفن شد؟

کمیل: اجازه دهید به ادامه داستان بپردازیم. پس از آن که هابیل کشته شد، آدم علیه السلام چه کسی را وصی خود قرار داد؟

آقای دیانت: مرحوم مجلسی رحمه الله از سید رضی رحمه الله نقل کرده که حوا نیز پس از یک سال از وفات آدم علیه السلام در گذشت و در کنار آدم علیه السلام دفن شد. (۷)

آقای دیانت: مطابق روایات متعددی، «هبة الله» یا «شیث» را وصی خود گردانید. (۴)

کمیل: آیا بر آدم علیه السلام کتاب آسمانی نازل شده بود؟

کمیل: عمر حضرت آدم علیه السلام چه قدر بوده است؟

آقای دیانت: بر طبق جمعی از روایات که شیعه و سنی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند، خدای تعالی جمعاً یکصد و چهار کتاب بر پیغمبران خویش نازل فرموده که از این تعداد تنهاده کتاب بر آدم علیه السلام نازل گردید. در روایتی که از سید بن طاووس در سعد السعود نقل شده، خدای تعالی کتابی به لغت سریانی بر آدم علیه السلام نازل کرد که در ۲۱ ورقه بود. طبری و ابن اثیر و مسعودی در کتاب‌های خود ذکر کرده‌اند که خداوند ۲۱ صحیفه بر آدم نازل فرمود. (۸)

آقای دیانت: البته میان مورخان و مفسران اختلاف است؛ برخی هزار سال وعده‌ای ۹۳۶ و بعضی ۹۳۰ سال گفته‌اند. مرحوم مجلسی رحمه الله می‌گوید: به سند معتبر از امام صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: عمر شریف آدم علیه السلام ۹۳۰ سال بود. (۵)

کمیل: آدم علیه السلام در کجا دفن شده است؟

آقای دیانت: مرحوم مجلسی رحمه الله می‌گوید احادیث بسیاری است درباره آن که آدم و نوح علیه السلام در نجف اشرف و پشت قبر امیرالمؤمنین علیه السلام مدفون‌اند؛ چنان که در زیارتنامه امیرالمؤمنین علیه السلام می‌خوانیم: «السلام علیک و علی ضجعیک آدم و نوح». البته احادیثی نیز هست که آدم علیه السلام در مکه مدفون است. ولی در جمع میان احادیث

پی‌نوشتها

- ۱- برای تفسیر این آیات به ترجمه المیزان، ج ۵، ص ۴۸۵ مراجعه شود.
- ۲- ترجمه تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۴۸۵ و بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۲۳۰ باب ۵ روایت ۸
- ۳- ترجمه تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۵۲۲ (چنان که گفته‌اند هبة الله معنای عربی «شیث» است و «شیث» لفظ عبری آن است. تاریخ انبیاء، سیدهاشم رسولی محلاتی، ج ۱، ص ۲۸)
- ۴- حبه القلوب، علامه مجلسی، ج ۱، ص ۷۶ و ۷۷
- ۵- ر.ک. به: همان، ص ۷۹
- ۶ و ۷- بحار الانوار، ج ۱۱، باب ۵، ص ۲۶۹
- ۸- تاریخ انبیاء، سیدهاشم رسولی محلاتی، ج ۱، ص ۲۹.